

Gender Justice in Education from the Perspective of Martyr Motahhari and John Rawls

1. *Hakimeh Safa*
2. *Ali Asghar Mashinchi*
3. *Mokhtar Ranjbar*

1. Ph.D. student of Philosophy of Islamic Education, Department of Educational Sciences, Islamic Azad University, Lamard Branch, Lamard, Iran
2. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Lamard Branch, Islamic Azad University, Lamard, Iran
3. Department of management, Lamerd Branch, Islamic Azad University, Lamerd, Iran

Email: mashinch56@gmail.com | Received: 26.01.2023 | Acceptance: 20.06.2023

*Journal of
Socio-political studies of Iran's
contemporary history*

eISSN: 2821-1294
<http://journalspsich.com>
Vol. 2, No 2, Pp: 276-305
Summer 2023

Original research article

How to Cite This Article:

Safa, H., Mashinchi, A. A., & Ranjbar, M. (2023). Gender Justice in Education from the Perspective of Martyr Motahhari and John Rawls, *spsich*, 2(2): 276-305.



© 2023 by the authors. License Iran-Mehr: The Institute for Social Study and Research, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

Abstract

The aim of the present study is a comparative examination of gender justice in education from the perspectives of Martyr Motahhari and John Rawls, with the goal of providing a model. This research is applied in terms of objectives and employs a comparative content analysis method for data collection. Initially, data were gathered through note-taking and information registration, which led to the identification of comparative elements in the thoughts of Martyr Motahhari and John Rawls to provide a model. The research domain included books, articles, and studies that addressed the comparative education ideas of Martyr Motahhari and John Rawls to present a model, totaling 130 volumes. These were selected through purposive and criterion-based sampling, ensuring relevance and currency with the highest relation to the topic. The study encompassed all published books, articles, and research conducted by various researchers and was carried out using coding methods. The tools used were note-taking from credible sources, articles, and documents, conducted through library or documentary methods. Data analysis was performed using coding methods (open coding, axial coding, and selective coding). The findings indicated

that previous research by other scholars partially aligned with the results obtained in this study, and some indicators and components derived in the current research were validated by previous findings. After reviewing and studying theoretical foundations, research background, and documentation with articles and researchers, ultimately 4 dimensions, 16 components, and 48 indicators were identified. The value-recognition components were categorized into 4 components and 12 indicators, anthropological components into 4 components and 12 indicators, epistemological components into 4 components and 12 indicators, and psychological components into 4 components and 12 indicators.

Keywords: Martyr Motahari and John Rawls perspectives, value-recognition, anthropological, epistemological, psychological.

تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز در عدالت جنسیتی

حکیمه صفا^۱

علی اصغر ماشینچی^{۲*}

مختار رنجبر^۳

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

۲. استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

۳. دانشیار، گروه مدیریت دولتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۷ | پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۳۱ | ایمیل نویسنده مسئول: mashinch56@gmail.com

فصلنامه علمی

مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران

شاپا (الکترونیکی): ۲۸۲۱-۱۲۹۴

<http://journalspsich.com>

دوره ۲ | شماره ۲ | صص ۳۰۵-۲۷۶

تابستان ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(صفا و همکاران، ۱۴۰۲)

در فهرست منابع:

صفا، حکیمه، ماشینچی، علی اصغر، و رنجبر، مختار. (۱۴۰۲). تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز در عدالت جنسیتی. مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران، ۲(۲): ۲۷۶-۳۰۵.

چکیده

هدف از تحقیق حاضر بررسی تطبیقی عدالت جنسیتی در تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو است. این پژوهش از نظر اهداف، کاربردی و از نظر شیوه جمع آوری اطلاعات از نوع تحلیل محتوا تطبیقی است و برای این منظور ابتدا داده‌ها براساس فیش و ثبت اطلاعات گردآوری شدند که منجر به شناسایی مولفه‌های تطبیقی اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو شد. حوزه پژوهش شامل کتب، مقالات و تحقیقاتی که به تربیت تطبیقی اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو پرداخته اند بوده است که تعداد آن‌ها ۱۳۰ جلد بود و با روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند و ملاک محور و به شرط مرتبط بودن و بروز بودن که بیشترین ارتباط با موضوع را داشتند انتخاب شد. حوزه مطالعاتی شامل کلیه کتب، مقالات و تحقیقات چاپ شده بود که توسط پژوهشگران و محققان مختلف و به شیوه‌ی کدگذاری انجام شد. ابزار مورد استفاده به صورت ثبت اطلاعات و فیش برداری از منابع معتبر، مقالات و اسناد می‌باشد که به شیوه کتابخانه‌ای یا

اسنادی انجام می‌شود. روش تحلیل داده‌ها روش کدگذاری به شیوه (کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی یا گزینشی) بود. یافته‌ها گویای آن بود که تحقیقات انجام شده قبلی توسط سایر محققان تا حدودی با نتایج بدست آمده در این تحقیق همخوانی داشته است و برخی از شاخص‌ها و مولفه بدست آمده در تحقیق حاضر بوسیله یافته‌های قبلی تایید می‌شود. پس از بررسی و مطالعات مبانی نظری و پیشینه تحقیقاتی و مستندات با مقالات و پژوهشگران در نهایت ۴ بعد، ۱۶ مولفه و ۴۸ شاخص شناسایی شد که مولفه‌های ارزش شناختی در قالب ۴ مولفه و ۱۲ شاخص و مولفه‌های انسان شناختی نیز حول ۴ مولفه و ۱۲ شاخص و مولفه‌های معرفت شناختی در قالب ۴ مولفه و ۱۲ شاخص و مولفه‌های روانشناختی در قالب ۴ مولفه و ۱۲ شاخص شناسایی شد.

کلیدواژه‌ها: دیدگاه شهید مطهری و جان رالز، ارزش شناختی، انسان شناختی، معرفت شناختی، روانشناختی.

مقدمه و بیان مسئله

شهید مطهری در آثار مختلف خود عدالت را اینگونه تعریف می‌کند: «عدالت در مفهوم وسیعش عبارت است از دادن حق صاحبان استحقاق بدون هیچ تبعیضی میان آن‌ها» (مطهری، ۱۳۹۲). یا در جای دیگری می‌نویسد: «عدالت عبارت است از: «اعطاء کل ذی حق حقه» یعنی افراد در متن خلقت و طبیعت، در مرحله مقدم بر قانون یک اسحقاقهایی دارند» (مطهری، ۱۳۹۶). بر این اساس عدالت عبارت است از این که حق هر صاحب حقی به او عطا شود. اگر کسی صاحب حقی باشد و حقش عطا نشود عدالت رعایت نشده و به تعبیر دیگر در حق او ظلم شده است. مثلاً اگر مالکیت بر اموال را حق انسان بدانیم اگر این حق به او عطا شود عدالت رعایت شده و اگر از او سلب شود در حق او ظلم شده است. (مطهری، ۱۳۹۴). ایشان مفهوم عدالت را به صورت دیگری نیز تعریف می‌کنند؛ ضمن نقل حدیثی از امیر المؤمنین علی (ع) عدالت را اینگونه تعریف می‌کنند: «عدالت این است که حق هر ذی حقی به خودش برسد. این است معنی کلام امیر المؤمنین (ع) که فرمود: «العدل یضع الامور مواضعها»، «عدل هر چیزی را در جای خود و محل خود قرار می‌دهد» (مطهری، ۱۳۹۱). شهید مطهری منشأ حق را علت غایی و علت فاعلی می‌داند؛ یعنی علت غایی و علت فاعلی موجب ایجاد حق می‌شوند (مطهری، ۱۳۸۱). در توضیح علت غایی و علت فاعلی باید گفت مطابق تقسیم بندی ارسطو چهار علت موجد معلول می‌باشند؛ علت فاعلی، علت غایی، علت مادی و علت صوری. «علت غایی عبارت است از آن چیزی که معلول به خاطر او وجود پیدا کرده است» (مطهری، ۱۳۹۳). و «علت فاعلی عبارت است از مابه الوجود؛ یعنی آن چیزی که وجود معلول به سبب اوست» (مطهری، ۱۳۹۰). عدالت که بر اساس مفهوم تعادل و تناسب، تفاوت در شرائط متفاوت، تساوی در شرائط مساوی، دادن حق هر صاحب حقی و قرار گرفتن هر چیزی در جای خود بر اساس یک سلسله مبانی شکل خواهد گرفت. یعنی مبادی تصویری و تصدیقی عدالت با مبانی عدالت جنسیتی گره خورده است، به تعبیر شهید مطهری: «علمای اسلام با تبیین و توضیح اصل عدل پایه فلسفه حقوق را بنا نهاده اند» (مطهری، ۱۳۸۷). عدم تشابه زن و مرد لازمه عدالت و حقوق فطری و انسانی است تا تساوی به معنای رعایت حقوق هر انسانی بنابر مقتضیات طبیعت، ظرفیت، استعداد و استحقاق آن و تعادل در نظام اجتماعی معنای اصلی خویش را باز یابد تا «عدالت جنسیتی» بر اساس آن مبانی چون: مبنای طبیعی، فطری، مصلحت، مفسدت، حکمت و علت احکام الهی تفسیر و تبیین گردد. بنابر تفکر ناب اسلامی عدالت و حقوق، عدالت و حکمت با هم تفسیر پذیر خواهند بود و انسان و جهان و زن و مرد را از حیث فردی، خانوادگی و اجتماعی بایستی بر اساس عدل و حکمت فهم کرد و حقوق آن‌ها را شناخت؛ به همین دلیل استاد مطهری معتقدند: «آن چه در

خلقت وجود دارد «تفاوت» است نه «تبعیض» و راز تفاوت‌ها یک کلمه است، «تفاوت موجودات، ذاتی آن‌ها می‌باشد و لازمه نظام علت و معلول» (مطهری، ۱۳۸۶). رالز در نظریه عدالت خویش، در وضعیتی به عنوان وضع نخستین یا اولیه در آغاز عدالت را بر می‌گزیند که در وهله اول امکاناتی را به عنوان ضرورت اولیه برای همه شهروندان به صورت یکسان قائل می‌شود و در مرحله بعد امکانات ثانویه‌ای را سامان می‌دهد که بیشترین قاعده‌ی آن به بی‌نصیب‌ترین افراد جامعه می‌رسد. به این صورت رالز در یک اصل، برابری کامل و در اصل دیگر، نابرابری را می‌پذیرد و برای سامان دهی و ارتباط معنا دار این دو جهت مخالف، «اصل اولویت» را قرار می‌دهد (رالز، جان، ۱۳۹۸، ترجمه بحرانی و فرجیان). نظریه عدالت رالز تا آنجا که از آزادی‌های اساسی فردی دفاع می‌کند، لیبرال است و آنجایی که فرض می‌شود همه که افراد از نظر اخلاقی برابرند و حکم به توزیع گسترده منابع مادی (درآمد و ثروت به سمت کسانی که از چنین منابعی کمتر برخوردارند) می‌نماید، برابری طلب است (رالز، جان، ۱۳۹۹، ترجمه اکرمی). تصور رالز از قرار داد اولیه این است که افراد باورهای اخلاقی و دینی خود را کنار می‌گذارند و فرضشان این است که نمی‌دانند از کدام طبقه، جنسیت، نژاد یا قومیت هستند و حتی از امتیازات وجودی خویش هم بی‌اطلاع هستند. همه سود خود را می‌خواهند ولی چون از پشت پرده بی‌خبری و فارغ از موقعیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادیدر کنار هم قرار می‌گیرند، هیچ کس احساس برتری نمی‌کند و در یک برابری اولیه به یک توافق فرضی و تعادلی در برداشت‌های خود می‌رسند به صورت طبیعی دو اصل «آزادی‌های بنیادین و نابرابری‌های اجتماعی» از آن بوجود می‌آید. در این راستا او نابرابری‌های مربوط به زنان و مردان را که مربوط به خانواده است جدای از جامعه سیاسی ندانسته و معتقد است آزادی زنان با همین حقوق شهروندی و آزادی‌هایی که هر شهروند باید داشته باشد، قابل تأمین است (رالز، ۱۳۹۸). الف - مقصود رالز از تشکیل چنین فضایی، تخلیه ذهن از مفاهیم زمان و مکان است و مقصود از قرارداد این است که واقعه تاریخی در مقطع خاصی رخ داده باشد. ب - مقصود از عدالت، عدالت شخصی (مثل عادل بودن فلان شاه یا فلان قاضی) و نیز عدالت در یک موضوع خاص (مانند اینکه رأی دادگاه در فلان دعوا عادلانه بود یا نه) نیست بلکه عدالت نهادهای اجتماعی است که با مسائلی چون اختیارات و مسئولیت‌های مربوط به مقامات عمومی و حقوق و و تکلیف‌های ناشی از مشاغل اجتماعی سرو کار دارد. عدالت در این معنا فضیلت یک نهاد اجتماعی است. (رالز، جان، ۱۴۰۱، ترجمه ثابتی). و به عبارتی نقشی است که دولت برای رفاه شهروندان خود ایفاء می‌کند. ج - رالز در توصیف اخلاقی بودن وضع نخستین چنین می‌گوید: افراد خیر خودشان را به طرق مختلف و گوناگون می‌یابند و بسیاری چسزها ممکن است برای شخصی خوب باشد و برای شخصی دیگر خوب نباشد؛ بنابراین شهروندان را باید به حال خود گذاشت تا خود کشف کنند چه چیزهایی ارزش دنبال کردن را دارند تا خودشان

خیر خودشان را معین کنند. این آزادی دنبال کردن خیر خود نیز قیدی دارد و آن اینکه مانع و رادع برای دیگران نشوید. اگر من به دنبال چیزی به تشخیص خودم باشم اما این کار من اخلاقی در کار شما به وجود آورد که به دنبال خیری به تشخیص خودتان هستید یا مانع آن شود، دولت باید مداخله کند و جلوی مرا بگیرد. (آرمان مهر، و متوسلی، ۱۳۸۹). در این صورت تعریف اخلاق از نقطه نظر رالز آزادی تام هر شخص یا اشخاص با رضایت یکدیگر می‌باشد و هدایت و یا دخالت دولت فقط در حد جلوگیری از آزادی است که به موجب رضایت نباشد. د- خصوصیت دیگری که رالز تصویر می‌کند، رسیدن به تصور مشترک از عدالت میان افراد در وضعیت نخستین است که مستلزم بی طرفی افراد بوده و لازمه بی طرفی آن است افراد عاقل که انتخاب گر (بازیگر عقلانی) هستند در فرض و شرایطی دست به انتخاب بزنند که در آن شرایط، این افراد از ارزش‌ها و ویژگی‌های خیرهای اساسی، مطلع و با کلیات روان شناسی انسانی و جامعه انسانی نیز آشنا باشند و هر شخصی باید با واکنش عاقلانه تعیین کند که چه چیزی خیر او است (اخوان کاظمی، و ویسی، ۱۳۹۹). عدالت از جمله مفاهیم و موضوعاتی است که در همه مکاتب اعم از الهی و غیر الهی مورد توجه بوده است؛ زیرا که مطلوب ذاتی همه انسان‌ها بوده و کمتر متفکر و صاحب نظری را می‌توان یافت که در این زمینه دغدغه‌های خود را نشان نداده باشد (شجریان، ۱۳۹۹). عدالت به عنوان رکن رکین اسلام به عنوان اصلی پایدار مطرح است و نظام تکوین و تشریح را در بر می‌گیرد. (عباس زاده، ۱۳۹۹). برخی از فلاسفه و حکمای اسلامی، قابلیت و استعداد موجودات را ملاک عدل دانسته اند. براساس این دیدگاه خداوند تبارک و تعالی و خالق هستی به هرچیزی که قابلیت هستی و کمال داشته باشد، هستی می‌دهد و عدل به معنای افاضه ی هستی و کمال به موجودات است. (صدرالمتألهین شیرازی، ۱۳۹۶، ج ۵). در این میان دیدگاه اندیشمندان و صاحب نظران در ساخت نظریات جدید و در چند سده اخیر به ویژه در غرب در خصوص عدالت قابل توجه است. هرچند در میان این نظرات تفاوت‌ها و حتی تناقض‌ها و تعارض‌هایی به چشم می‌خورد. به عنوان نمونه مشاهده می‌شود که مفهوم عدالت بخش اعظم مبنای اخلاقی نظریه دموکراسی رابه خود اختصاص می‌دهد (حکمت نیا، ۱۳۹۹). مساله برابری زن و مرد از موضوعاتی است که در دهه‌های اخیر ذهن جامعه علمی را بسیار به خود مشغول کرده است صاحب نظران متعددی در این حوزه به ایراد پرداخته و در این راستا متفکرین اسلامی در پی تبیین مساله عدالت و برابری از منظر اسلام و نقد رویکردهای فمینیستی برآمده اند، همچنین پژوهش‌های مختلفی نیز در این حوزه انجام شده است (ایروانی، وهمکاران، ۱۴۰۲). شهید مطهری معتقد است دستگاه خلقت هر نوعی از انواع موجودات را بر پایه اصل عدل در مدارای مخصوص به خود قرار داده است. از این رو سعادت هر موجودی در آن است که در مدار طبیعی خود حرکت کند. براین اساس، وی عقیده دارد که با وجود دیدگاه رایج

جنبش‌های فمینیستی تساوی طلب، این تفاوت‌ها به معنی برتری جنسی مرد نمی‌باشد، بلکه به منظور تحکیم پیوند خانوادگی بین آن‌هاست. به این ترتیب قانون آفرینش با ایجاد تفاوت‌ها به دست خود، حقوق و وظایف خانوادگی را میان زن و مرد تقسیم کرده است (مطهری، ۱۳۹۸). عدالت رفتار یکسان با همه افراد نیست، بلکه به هرکس باید حقتش داده شود و چه بسا گاهی رفتار مشابه با زن و مرد عین ظلم است؛ بنابراین تساوی زن و مرد تنها با توجه به موقعیت هر یک در نظام آفرینش و تعدیل ارتباطات متقابل آن‌ها تعریف می‌شود و به عبارت دیگر "تساوی در جایی است که احکامی که بر علیه هر یک از زن و مرد است برابر با احکامی باشد که به نفع ایشان است. (طباطبایی، ۱۳۹۹) یعنی باید در تعیین وظیفه اشخاص، توازن و همسانی وجود داشته باشد. این برداشت به خاطر آن است که گاهی از مفهوم عدل، تساوی فهمیده می‌شود. با این حال هر نوع تساوی را نمی‌توان عدل دانست، بلکه در صورتی که استحقاق افرادی باهم مساوی و برابر باشد و با آن‌ها یکسان عمل شود و می‌توان تعبیر برخورد عادلانه و رعایت عدل را در خصوص رفتار برابر به کار برد و بدون تردید در صورت تفاوت استحقاق افراد، رفتار و برخورداری متفاوت نیز عدل شمرده می‌شود. براین اساس نمی‌توان برای همه انسان‌ها با شرایط، ویژگی‌ها، ظرفیت‌ها و نیازهای متفاوت قانون و امتیازات یکسان در نظر گرفت و این موضوعی است که لازم است در مباحثی همچون عدالت و برابری جنسیتی مورد توجه قرار گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۹). با وجود آنکه عدالت جنسیتی در تربیت، مفهومی عام و فراگیر و در اصطلاح «لفظ مشترک» است و همه انسان‌ها آن را درک می‌کنند، ولی در مورد قلمرو، حدود، خاستگاه و شاخص‌های عدالت جنسیتی در تربیت اختلاف دیدگاه وجود دارد. هر مکتب فکری و فلسفی دیدگاه ویژه‌ای نسبت به عدالت جنسیتی در تربیت دارد که آن بر پایه چهارچوب فکری آن مکتب بنا شده است (کلانتری، و فقیه ایمانی، ۱۳۹۸). اختلاف دیدگاه درباره عدالت جنسیتی در تربیت به حدی است که یک موضوع از دیدگاه یک مکتب عدالت به شمار می‌رود و از دیدگاه مکتب دیگر ناعادلانه دانسته می‌شود (واعظی، ۱۴۰۰). فیلسوفان و نظریه پردازان مختلفی در ارتباط با عدالت جنسیتی سخن گفته‌اند، اما در پژوهش حاضر، شهید مطهری از مکتب اسلام و جان رالز از مکتب غرب انتخاب شده‌اند که به بررسی تطبیقی دیدگاه‌های این دو متفکر درباره عدالت جنسیتی در تربیت پرداخته شده است. شهید مطهری چون از متفکران مهم جمهوری اسلامی ایران و از اندیشمندان مسلمان است که با دیدگاه فلسفی و دینی به بررسی عدالت جنسیتی پرداخته است و در این حوزه اندیشه‌های مهم و تاثیر گذاری دارد. شهید مطهری سعی دارد تا در بطن نظریات اسلامی برگرفته از فقه شیعی به مقایسه آن‌ها با نظریات روز در سطح جهان (همانند مارکسیسم و لیبرالیسم) بپردازد (اخباری، و شفیع، ۱۳۹۹). لذا نظریات ایشان از طرفی، واجد پویایی است و بسیاری از مسائل جهان اسلام را در نظر دارد و از طرفی نسبت به نظریات دیگر

عدالت، بی عدالت نیست. در چند دهه گذشته، دیدگاه‌های جان رالز در مورد عدالت، نظریه‌های بی شماری را به خود جلب کرده است. در این نوشتار نظریه این فیلسوف لیبرال آمریکایی، به عنوان فردی که توانسته در سطح بین الملل و تایید برخی از اسناد حقوق بشر نقشی داشته و مواد ۳ تا ۱۸ اعلامیه را هم پذیرفته است. و همچنین نظرات او مورد توجه و نقد فمینیست‌ها هم بوده است، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد (جلیلی مرنند، وهمکاران، ۱۴۰۲). مجموعه آرا و نظریات رالز به دو دوره تقسیم می‌شود. دوره اول با چاپ کتاب «نظریه عدالت» اصول عدالت خویش را به عنوان یک نظریه اخلاقی و جامع که باید پایه و اساس هر ساختار اجتماعی عادلانه قرار گیرد، معرفی می‌کند. ولی در دوره دوم که تبلور اندیشه‌های وی در کتاب «لیبرالیسم سیاسی» مشهود است، نظریات عدالت خود را به عنوان مناسب ترین راهکار سیاسی جهت تکوین یک نظم اجتماعی در جوامع لیبرال-دموکرات معاصر مطرح می‌کند «البته باید اذعان داشت که مساله اصلی رالز در دو کتاب اساسی اش یعنی «نظریه‌ای در باب عدالت» و «لیبرالیسم سیاسی» این است که چگونه یک جامعه بسامان را بنا نهد که در آن سود و مسئولیت به درستی توزیع شود تا نه برابری و مساوات از جامعه رخت بر بندند و نه به امید تحکیم برابری کفایت از بین برود. پس عادلانه نمودن نابرابری‌ها مهم ترین دغدغه اوست که به اعتقاد رالز در نظریه «عدالت به مثابه انصاف» پرداخته شده است (نصری مشکینی، ۱۳۹۸) در عین حال نظریات او به عنوان دانشمندی لیبرال که توانسته موجی از افکار را با خود همراه کندو در مدینه آرمانی خود ضمن تعیین چگونگی به دست آوردن اصول عدالت، کوشیده تا تلفیقی از دولت برابر خواه و آزادی خواه را به وجود آورد و آزادی‌های مورد نظر لیبرالیسم کلاسیک و برابری آرمان خواهانه مارکسیست‌ها را در یک جا جمع کند، منحصر به فرد است. از زمان انتشار نظریه عدالت بسیاری از متفکران سعی کردند آن را به مساله عدالت بین المللی بسط دهند. تا اینکه در سال ۱۹۹۳ با انتشار «قانون مردمان» نظریه خود را در باب عدالت به حوزه روابط بین الملل هم بسط داد (توسلی، ۱۴۰۲). «اصل تفاوت» مندرج در اندیشه جان رالز موجب جذابیت‌هایی برای نظریه دیدگاه مخالفین برابری جنسیتی شده و این گمان را ایجاد کرده که او با پذیرش این اصل، به صورت واقع بینانه تری به وضعیت موجود نگریسته و توانسته است با فلسفه اخلاقی، تفاوت میان زن و مرد را به نحو قابل قبولی ترسیم نماید که مورد قبول همگان قرار گیرد (تلیس، ۱۳۹۹، ترجمه دیهیمی). از این رو این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال اساسی است که با بررسی تطبیقی عدالت جنسیتی در تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز بتوان یک الگوی منسجم ترسیم نمود. در این راستا تاکید اصلی این پژوهش، بررسی تطبیقی عدالت جنسیتی در تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز است. و در صدد آن است با نگاهی به اهم آراء جان رالز در زمینه عدالت جنسیتی با نگاهی بر تربیت، کاربرد آن را در مورد زن و خانواده مورد بررسی

قرار داده و تهافت آشکار آن را با نظریه عدالت جنسیتی در اسلام از دیدگاه شهید مطهری بیان نمایند این پژوهش در صدد است، با نگاهی به اهم آراء جان رالز در زمینه عدالت جنسیتی با نگاهی بر تربیت، کاربرد آن را در مورد زن و خانواده مورد بررسی قرار داده و تهافت آشکار آن را با نظریه عدالت جنسیتی در اسلام از دیدگاه شهید مطهری بیان نماید. در این راستا به سوالات ذیل پاسخ خواهد داد:

۱. چگونه می‌توان با بررسی تطبیقی عدالت جنسیتی در تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز به یک الگو دست یافت؟
- ۳) شاخص‌ها و مولفه‌های معرفت‌شناختی در عدالت جنسیتی در تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز کدامند؟
- ۴) شاخص‌ها و مولفه‌های روانشناختی در عدالت جنسیتی در تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز کدامند؟

روش تحقیق

این پژوهش از نظر اهداف، کاربردی و از نظر شیوه جمع‌آوری اطلاعات از نوع تحلیل محتوا مقایسه تطبیقی است و برای این منظور ابتدا داده‌ها براساس فیش و ثبت اطلاعات گردآوری شدند که منجر به شناسایی مولفه‌های بررسی تطبیقی عدالت جنسیتی در تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو شد. به عبارت دیگر به منظور گردآوری و تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) استفاده گردید. باتوجه به اینکه ابعاد، مؤلفه و شاخص‌ها استخراج گردیده‌اند. برای بررسی صحت این دسته‌بندیها در واقعیت، پرسشنامه‌های محقق ساخته روایی و پایایی شاخص‌ها بدست آمد. حوزه مطالعاتی این پژوهش شامل کلیه مقالات و پژوهشها و نظریات صاحب‌نظران این حوزه می‌باشد. که تعداد آنها ۱۳۰ جلد بود و با روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند و ملاک محور و به شرط مرتبط بودن و بروز بودن که بیشترین ارتباط با موضوع را داشتند انتخاب شد. جامعه آماری این پژوهش شامل تحلیل محتوای مقالات و پایان‌نامه‌های نوشته شده به شیوه کدگذاری خواهد بود. شامل کلیه کتب، مقالات و تحقیقات چاپ شده بود که توسط پژوهشگران و محققان مختلف و به شیوه کدگذاری انجام شد. ابزار مورد استفاده به صورت ثبت اطلاعات و فیش برداری از منابع معتبر، مقالات و اسناد می‌باشد که به شیوه کتابخانه‌ای یا اسنادی انجام می‌شود. روش نمونه‌گیری در بعد کیفی از نوع هدفمند استفاده شد. زیرا باید اطلاعات از منابعی به دست می‌آید که با فرایند بررسی تطبیقی عدالت جنسیتی در تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو همخوانی داشتند، پس به این دلیل نمونه‌گیری بر اساس

هدف تحقیق شکل گرفت. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش به شیوه مطالعات کتابخانه‌ای است. روش تجزیه تحلیل داده‌ها در این پژوهش در سه مرحله ی کدگذاری باز، کدگذاری باز و محوری، کدگذاری انتخابی انجام خواهد شد. در تحقیق حاضر، برای تعیین یافته‌ها داده‌های مورد نیاز از طریق مطالعه مبانی نظری، پیشینه تحقیق و مستندات با مقالات انتخاب و تأیید شدند؛ استفاده از رویه‌های ویژه کدگذاری و بررسی نمادها و نشانه‌ها و توصیف داده‌ها استفاده شد. جهت تعیین روایی یافته‌ها نیز جمع آوری داده‌ها از منابع بازبینی قرار گرفت و در تفسیرها و یافته‌ها استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های بخش، نتایج مربوط به مرحله پژوهش بر مبنای فرایند تحلیل داده‌ها در روش تحلیل مجتوا و با مدنظر قرار دادن اهداف پژوهش و همچنین تحلیل داده‌ها مربوط به الگوی تطبیقی عدالت جنسیتی در تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز در سه قسمت کدگذاری ارائه شده است، به عبارت دیگر نتایج حاصل از تحلیل متون و منابع مرتبط با موضوع مبانی تطبیقی عدالت جنسیتی در تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز ارائه گردیده است. داده‌های پژوهش از طریق فرایند کدگذاری بررسی شدند. کدگذاری فرایندی بررسی است که طی آن داده‌ها، مفهوم گذاری شده و به هم می‌پیوندند تا نظریه را شکل دهند. مراحل بررسی داده‌ها از طریق کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام می‌شود که در ادامه تشریح شده است.

۱- کدگذاری باز

در این مرحله از پژوهش، مفاهیم و نکات کلیدی بدست آمده در خصوص مولفه‌های اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو، از فرایند مطالعه اسناد و مدارک شامل مبانی نظری و پیشینه پژوهش یادداشت برداری و بر اساس مبانی علمی و نظری از نظر مفهومی یکسان سازی شدند.

جدول ۱. مولفه‌های اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو بر اساس ادبیات

و پیشینه تحقیق

پاراگراف مستخرج	نویسنده	شاخص / کد	بعد
		باز	
در رویکرد شهید صدر، عدالت متکی بر دو	نمازی و لشکری	۱-عدالت	ارزش
محور کاهش نابرابری شدید و کسب در آمد	(۱۴۰۲)	۲-کاهش	شناختی
متناسب با معیشت آبرومندانه است. از دیدگاه		نابرابری شدید	

۳-کسب در	شهید مطهری نظریه عدالت متکی بر آرای ایشان در زمینه حقوق فطری و طبیعی است.
آمد متناسب با	
معیشت	
آبرومندانانه	
۴-حقوق	
فطری و	
طبیعی	
۵-جامعه	مشکل اینجاست که مقصود جامعه از فرد همان «مرد» است نه انسان اعم از زن و مرد. شاید در نگاه اول چنین به نظر آید که عاقدان قرارداد در پشت پرده جهل بتوانند به این تبعیض پایان دهند و به انسان‌ها فارغ از هویت دینی، ملی، جنسی و شغلی شان توجه کنند؛ اما چنین اجتماعی مشکل تبعیض علیه زنان را حل نمی‌کند؛ چون تبعیض اعمال شده مردان بر زنان بیشتر ماهیت جامعه شناختی داشته و نوعی ترجیح اجتماعی است و نظریه عدالت در این زمینه راه حلی ارائه نمی‌کند.
هویت	
۶-هویت	
دینی، ملی،	
جنسی و	
شغلی	
۷-تبعیض	
علیه زنان	
۸-ماهیت	
جامعه	
شناختی	
۹-ترجیح	
اجتماعی	
۱۰-نظریه	
عدالت	
۱۱-فمینیسم	فمینیسم پسامردن نیز از آن جا که هیچ اریکسون، مشخصه ضروری را برای مقوله زنان به رسمیت نمی‌شناسد، تعریف مشخصی از زن و مرد و به تبع آن نقش سیاسی آن‌ها ندارد.
۱۲-مشخصه	
ضروری	
۱۳-زن و مرد	
۱۴-نقش	
سیاسی	
۱۵-سعادت	شهید مطهری به «سعادت» به عنوان یکی از ارزش‌های اخلاقی معتقد است از نظر مطهری «خصوصیت ذاتی بشر است که طوری آفریده شده است که در کارهای خودالزاما نوعی اندیشه‌ها که آن‌ها را اندیشه اعتباری می‌نامیم، استخدام می‌کند و با استفاده از آن اندیشه‌های به مقاصد طبیعی خود نائل می‌آید.
سعادت	
۱۶-ارزش‌های	
اخلاقی	
۱۷-	
خصوصیت	
ذاتی بشر	
۱۸-اندیشه	

۱۹-مقاصد طبیعی			
عقلانیت	۲۰-عدالت	کانو (۲۰۲۲)	عدالت به معنای راستی اخلاقی است که بر پایه اصول اخلاقی، عقلانیت، حقوق، حقوق طبیعی، مذهب یا برابری شکل گرفته است و همراه با تنبیهی است که به اصول تعیین شده تجاوز می‌کنند؛ و در جای دیگر اظهار می‌دارد: عدالت، عادلانه و منصفانه عمل کردن است
	۲۱-راستی اخلاقی		
	۲۲-اصول اخلاقی		
	۲۳-عقلانیت		
	۲۴-حقوق		
	۲۵-حقوق طبیعی		
	۲۶-مذهب		
	۲۷-برابری		
	۲۸-عادلانه		
	۲۹-منصفانه		
	عمل کردن		
انسان شناختی	آزادی	۳۰-عدالت	خاندوزی (۱۴۰۰)
		۳۱-اقتصاد خانواده	
		۳۲-آزادی	
		۳۳-رفاه	
		۳۴-	
		سیاست‌های اقتصادی	
		۳۵-فلسفه اخلاق	
	تمدن	۳۶- تمدن بشری،	و پاملا همکاران، (۲۰۱۸)
		۳۷- ستم دیدگی زنان	
		۳۸-برتری زن و تحقیر مرد	
		۳۹-نظریه پدرسالاری	
			سوال از عدالت مهم ترین پرسش در زمینه عدالت است و تا زمانی که پاسخ آن مشخص نشود، مباحث دیگر عدالت، مانند معیارهای عدالت و یا تاثیر سیاست‌های اقتصادی بر عدالت پیشرفت چندانی نخواهد داشت. در این میان جای خالی نظریه‌ای با خاستگاه فلسفه اخلاق مشهود است که در منابع اسلامی و شیعی پتانسیل‌های بالقوه برای نظریه پردازی در این زمینه وجود دارد
			برخی فمینیست‌ها در پی برتری زن و تحقیر مرد هستند. تبیین رادیکال‌ها در علت ستم دیدگی زنان بر نظریه پدرسالاری استوار است که به شکلی افراطی، غیر علمی و پیش داوارانه کل تاریخ و تمدن بشری را تاریخ توطئه فراگیر علیه زنان می‌داند

هدف	۴۰-توسعه	باستانی(۱۴۰۰)	کشور ما در زمینه توانمند سازی زنان از موقعیتی مطلوب برخوردار نیست و اگر برابری جنسیت هدف باشد، کشور ما راهی دراز در پیش دارد.
	۴۱-برابری جنسیت		
	۴۲-توانمند سازی زنان		
	۴۳-موقعیت مطلوب		
	۴۴-هدف		
	۴۵-فرصت برابر	ایولو، و لچاز (۲۰۲۱)	باید برای فراهم کردن فرصت برابر همه افراد بکوشند. نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی لزوما ناعادلانه نیست و این اصل تفاوت مستلزم مداخله دولت در نظم اجتماعی و اقتصادی است.
	۴۶- نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی		
	۴۷- مداخله دولت		
	۴۸-نظم اجتماعی و اقتصادی		
رفتار مساوی	۴۹-عدالت	(کدیور، ۱۴۰۰)	عدالت یعنی رفتار مساوی با همه انسان‌ها و اینکه هیچ خصیصه‌ای در انسان‌ها مانع از تساوی حقوقی یا باعث تبعیض حقوقی نمی‌شود. اصل بر تساوی حقوقی است. تنها با دلیل معتبر می‌توان از تساوی حقوقی دست برداشت.»
	۵۰-رفتار مساوی با همه انسان‌ها		
	۵۱-تساوی حقوقی		
	۵۲-تبعیض حقوقی		
	۵۳-تفاوت	اسفراین (۲۰۲۰)	پذیرش اصل تفاوت وسیله‌ای برای رسیدن به فرصت برابر تلقی می‌شود و وجود هر دو صنف زن و مرد در طبیعت لازم است و نادیده انگاشتن این اصول طبیعت، قابلیت تبیین درست از حقوق زن و مرد را از بین خواهد برد.
	۵۴-فرصت برابر		
	۵۵-طبیعت		
	۵۶-حقوق زن و مرد		

معرفت شناختی	اندیشه فردی	۵۷-عدالت اقتصادی ۵۸-رابطه بین عدالت و حق ۵۹-سازوکار بازار و حاکمیت ۶۰-اندیشه فردی ۶۱-تشابه و تفاوت ۶۲-امکانات اولیه ۶۳-جامعه هدف ۶۴-آزادی ۶۵-آموزه‌های دینی ۶۶-عدالت رعایت حقوق ۶۷-موزون بودن ۶۸-تساوی ۶۹-رعایت حقوق افراد ۷۰- قابلیت‌های عدالت ۷۱-رعایت حقوق افراد ۷۲-نوع دوستی ۷۳-نیکوکاری ۷۴-بخشش	نظری (۱۴۰۰) قلیچ (۱۳۹۸) مطهری (۱۳۹۲). داستون (۲۰۲۱).	تمایز دیدگاه اسلام و هایک به دو موضوع برمی گردد: یکی رابطه بین عدالت و حق است. در اسلام بین عدالت و حق رابطه الزامی وجود دارد؛ در حالی که در دیدگاه هایک هیچ گونه ارتباط و الزامی میان عدالت و حق وجود ندارد. دیدگاه آن‌ها نسبت به هم تشابه و تفاوت چندی دارد. فرادینی بودن ذات عدالت، توزیع مساوی امکانات اولیه، توزیع بر اساس استحقاق افراد و توجه به طبقه ضعیف جامعه از مهم ترین نقاط تشابه دو نظریه است؛ ولی درباره منشا مشروعیت عدالت، جامعه هدف، نقش باز توزیع اقتصادی و مفهوم آزادی میان دو دیدگاه تفاوت وجود دارد. در بحث عدالت ابتدا به ۴ تعریف (موزون بودن، تساوی، رعایت حقوق افراد و قابلیت‌های عدالت) پرداخت و از میان این تعاریف تأکید بیشتر بر رعایت حقوق افراد داشته و معتقد است افراد بشر باید به یک چشم نگاه شوند. عدالت از مفاهیمی چون نوع دوستی، نیکوکاری، بخشش، خیرخواهی و یا دلسوزی متفاوت است. عدالت به صورت تاریخی و سنتی با مفاهیمی همچون تقدیر، تناسخ و مشیت‌الهی در ارتباط بوده است
-----------------	----------------	--	---	--

۷۵-	خیرخواهی	
۷۶-	دلسوزی	
۷۷-	تاریخی و سنتی	
۷۸-	تقدیر	
۷۹-	تناسخ	
۸۰-	مشیت الهی	
۸۱-	مقتضیات طبیعت	مطهری (۱۳۸۶)
۸۲-	ظرفیت	
۸۳-	استعداد	
۸۴-	استحقاق آن	
۸۵-	تعادل در نظام اجتماعی	
۸۶-	مبنای طبیعی	
۸۷-	فطری	
۸۸-	مصلحت	
۸۹-	مفسدت	
۹۰-	حکمت الهی	
۹۱-	علت احکام الهی	
۹۲-	عدالت	یزدانی (۱۴۰۱)
۹۳-	فلسفه سیاسی	
۹۴-	توجه به پیچیدگی	
۹۵-	واکاوی اندیشه‌ها	

بنابر مقتضیات طبیعت، ظرفیت، استعداد و استحقاق آن و تعادل در نظام اجتماعی معنای اصلی خویش را باز یابد تا «عدالت جنسیتی» بر اساس آن مبنای چون: مبنای طبیعی، فطری، مصلحت، مفسدت، حکمت و علت احکام الهی تفسیر و تبیین گردد.

عدالت به اصلی ترین و مهم ترین مبحث فلسفه سیاسی بدل شده است و این بحث با توجه به پیچیدگی آن نیازمند واکاوی اندیشه‌ها و رهاورد متفکران بزرگ این حوزه است.

۹۶-تشابه و طبیعت تساوی ۹۷-طبیعت ۹۸-طبیعت متضاد ۹۹-تندرستی تندرستی ۱۰۰-نشاط ۱۰۱-هوش ۱۰۲- استعدادهای طبیعی ۱۰۳-حقوق و آزادیها ۱۰۴-مناصب و فرصت‌ها ۱۰۵-درآمد و ثروت ۱۰۶-کاهش تعلق زنان به خانواده ۱۰۷-خشونت در محیط خانه ۱۰۸-تبعیض بیرون از خانه ۱۰۹-زیاده خواهی‌های فردی ۱۱۰-عدالت مساوات ۱۱۱-مساوات ۱۱۲-برابری ۱۱۳-میان روی ۱۱۴-حد وسط میان	کری (۲۰۲۲) توانا (۱۳۸۹) الیوت (۲۰۱۹) میرخانی (۱۴۰۰)	بین تشابه و تساوی نیز جدا ساخته و تساوی را پذیرفته و تشابه را نفی کرده است؛ زیرا اگر چه زن مرد از جهات مختلف مشابه یکدیگرند، اما از جهات متعدد دیگر نیز طبیعت متفاوتی دارند و حتی طبیعت متضادی با یکدیگر دارند. ۱. خیرهای اولیه‌ی طبیعی مانند تندرستی، نشاط، هوش و استعداد‌های طبیعی؛ ۲. خیرهای اولیه‌ی اجتماعی، مانند حقوق و آزادیها، مناصب و فرصت‌ها و درآمد و ثروت. کاهش تعلق زنان به خانواده نه تنها خشونت در محیط خانه را کاهش نداده، بلکه خشونت و تبعیض بیرون از خانه را هم به آن‌ها تحمیل کرد زیرا ارزش‌های لیبرالی نمی‌تواند زیاده خواهی‌های فردی را کنترل کند. عدالت، عمدتاً بر واژه‌های مساوات، برابری، میانه روی، حد وسط میان افراط و تفریط، موازنه، قرار دادن هر چیزی در جای خود، اندازه و اعتدال و... تکیه شده است
---	--	--

۱۱۵-افراط و
تفریط
۱۱۶-موازنه
۱۱۷-قرار
دادن هر
چیزی در
جای خود
۱۱۸-اندازه و
اعتدال

۲- کدگذاری محوری

در این مرحله محقق بر اساس شباهت‌های محتوایی اقدام به دسته بندی شاخص‌های بدست آمده در مرحله کدگذاری باز نموده است. در این مرحله که کدگذاری محوری نامیده می‌شود. بر این اساس و با توجه به بررسی‌ها و بررسی انجام شده توسط محقق برای هر بعد، تعدادی از کدهای باز/شاخص‌ها را در برگرفته است. که در جدول زیر ارائه شده اند.

جدول ۲. کدگذاری محوری مولفه‌های تطبیقی اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو

شاخص / کد باز	بعد
۱-عدالت	عدالت
۲-کاهش نابرابری شدید	
۳-کسب در آمد متناسب با معیشت آبرومندانه	
۴-حقوق فطری و طبیعی	
۶-هویت دینی، ملی، جنسی و شغلی	هویت
۷-تبعیض علیه زنان	
۸-ماهیت جامعه شناختی	
۹-ترجیح اجتماعی	
۱۰-نظریه عدالت	
۱۲-مشخصه ضروری	
۱۵-سعادت	سعادت
۱۶-ارزش‌های اخلاقی	
۱۷-خصوصیت ذاتی بشر	
۱۸-اندیشه	

		۱۹-مقاصد طبیعی
	عقلانیت	۲۲-اصول اخلاقی
		۲۴-حقوق
		۲۵-حقوق طبیعی
		۲۶-مذهب
		۲۷-برابری
		۲۸-عادلانہ
		۲۹-منصفانه عمل کردن
	آزادی	۳۱-اقتصاد خانواده
انسان شناختی		۳۲-آزادی
		۳۳-رفاه
		۳۴-سیاست‌های اقتصادی
	تمدن	۳۶-تمدن بشری
		۳۷-ستم دیدگی زنان
		۳۸-برتری زن و تحقیر مرد
		۳۹-نظریه پدرسالاری
	هدف	۴۰-توسعه
		۴۲-توانمند سازی زنان
		۴۵-فرصت برابر
		۴۶-نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی
		۴۷-مداخله دولت
	رفتار مساوی	۵۱-تساوی حقوقی
		۵۳-تفاوت
		۵۴-فرصت برابر
		۵۵-طبیعت
		۵۶-حقوق زن و مرد
	اندیشه فردی	۵۷-عدالت اقتصادی
معرفت شناختی		۶۲-امکانات اولیه
		۶۳-جامعه هدف
		۶۴-آزادی
		۶۵-آموزه‌های دینی
	رعایت حقوق	۶۷-موزون بودن
		۶۸-تساوی
		۶۹-رعایت حقوق افراد

	۷۰-قابلیت‌های عدالت
	۷۱-رعایت حقوق افراد
نیکوکاری	۷۲-نوع دوستی
	۷۵-خیرخواهی
	۷۶-دلسوزی
	۷۷-تاریخی و سنتی
	۷۸-تقدیر
	۷۹-تناسخ
	۸۰-مشیت‌الهی
حکمت الهی	۸۱-مقتضیات طبیعت
	۸۲-ظرفیت
	۸۵-تعادل در نظام اجتماعی
	۸۶-مبنای طبیعی
	۸۷-فطری
	۸۸-مصلحت
واکاوی اندیشه‌ها روانشناختی	۹۲-عدالت
	۹۳-فلسفه سیاسی
	۹۴-توجه به پیچیدگی
	۹۵-واکاوی اندیشه‌ها
طبیعت	۹۶-تشابه و تساوی
	۹۷-طبیعت
	۹۸-طبیعت متضاد
تندرستی	۱۰۰-نشاط
	۱۰۱-هوش
	۱۰۲-استعدادهای طبیعی
	۱۰۳-حقوق و آزادیها
	۱۰۴-مناصب و فرصت‌ها
مساوات	۱۱۳-میان‌روی
	۱۱۴-حد وسط میان
	۱۱۵-افراط و تفریط
	۱۱۶-موازنه
	۱۱۷-قرار دادن هر چیزی در جای خود
	۱۱۸-اندازه و اعتدال

۳- کدگذاری انتخابی

پس از کدگذاری محوری، مولفه‌های بدست آمده در یک مفهوم بزرگتر دسته بندی می‌شوند که از آن تحت عنوان ابعاد یاد می‌شود و این فرایند به کدگذاری انتخابی مشهور است. بررسی بدست آمده برای مولفه‌های تطبیقی اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز مولفه‌های ارزش شناختی در قالب ۴ مولفه و ۱۲ شاخص دسته بندی شدند. و مولفه‌های انسان شناختی نیز حول ۴ مولفه و ۱۲ شاخص قرار گرفتند و مولفه‌های معرفت شناختی در قالب ۴ مولفه و ۱۲ شاخص دسته بندی شدند. و مولفه‌های روانشناختی در قالب ۴ مولفه و ۱۲ شاخص دسته بندی شدند و در نهایت ۴ بعد، ۱۶ مولفه و ۴۸ شاخص در قالب یافته‌های بخش شناسایی شد که در جدول زیر ارائه شده اند.

جدول ۳. کدگذاری انتخابی مولفه‌های تطبیقی اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو

شاخص / کد باز	بعد
۱- عدالت	عدالت
۲- کاهش نابرابری شدید	
۴- حقوق فطری و طبیعی	
۶- هویت دینی، ملی، جنسی و شغلی	هویت
۸- ماهیت جامعه شناختی	
۱۲- مشخصه ضروری	
۱۵- سعادت	سعادت
۱۶- ارزش‌های اخلاقی	
۱۸- اندیشه	
۲۲- اصول اخلاقی	عقلانیت
۲۸- عادلانه	
۲۹- منصفانه عمل کردن	
۳۱- اقتصاد خانواده	آزادی
۳۲- آزادی	
۳۳- رفاه	
۳۶- تمدن بشری	تمدن
۳۷- ستم دیدگی زنان	
۳۹- نظریه پدرسالاری	

هدف	۴۰- توسعه
	۴۲- توانمند سازی زنان
	۴۵- فرصت برابر
رفتار مساوی	۵۱- تساوی حقوقی
	۵۴- تفاوت
	۵۶- حقوق زن و مرد
معرفت شناختی	۵۷- عدالت اقتصادی
	۶۳- جامعه هدف
	۶۵- آموزه‌های دینی
رعایت حقوق	۶۷- موزون بودن
	۷۰- قابلیت‌های عدالت
	۷۱- رعایت حقوق افراد
نیکوکاری	۷۲- نوع دوستی
	۷۵- خیر خواهی
	۸۰- مشیت الهی
حکمت الهی	۸۱- مقتضیات طبیعت
	۸۲- ظرفیت
	۸۸- مصلحت
روانشناختی	۹۲- عدالت
	۹۳- فلسفه سیاسی
	۹۴- توجه به پیچیدگی
طبیعت	۹۶- تشابه و تساوی
	۹۷- طبیعت
	۹۸- طبیعت متضاد
تندرستی	۱۰۰- نشاط
	۱۰۱- هوش
	۱۰۲- استعداد های طبیعی
مساوات	۱۱۳- میانه روی
	۱۱۶- موازنه
	۱۱۸- اندازه و اعتدال

شاخص‌ها و مولفه‌های معرفت‌شناختی در عدالت‌جنسیتی در تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز کدامند؟

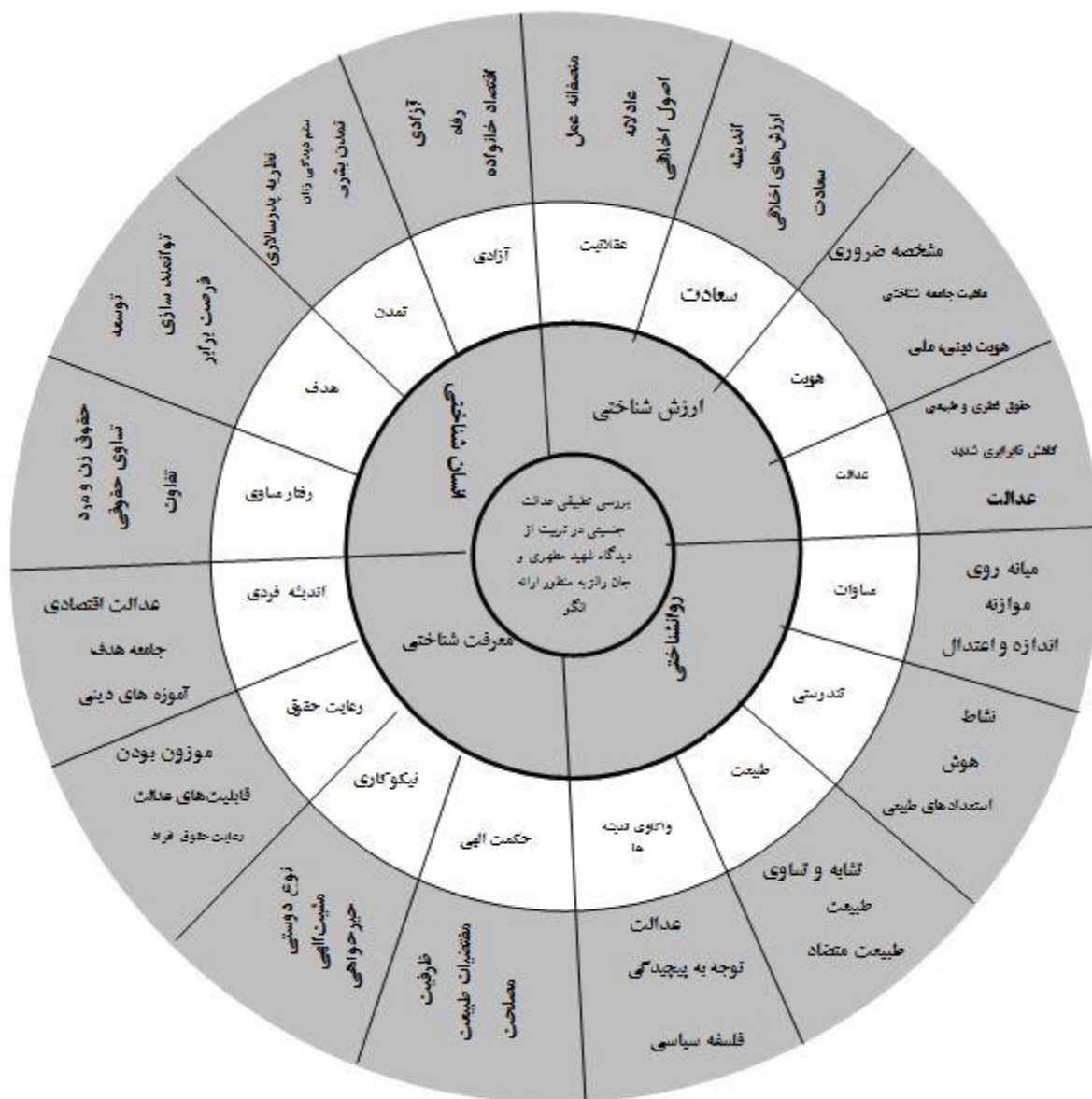
با توجه به جداول فوق و بر اساس یافته‌های بخش پژوهش که در همین فصل به تفصیل بحث شد و پس از بررسی شاخص‌ها و مولفه‌های معرفت‌شناختی در عدالت‌جنسیتی در تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز، ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های تطبیقی در شاخص‌ها و مولفه‌های معرفت‌شناختی در قالب ۴ مولفه و ۱۲ شاخص به شرح جدول ۳ شناسایی شد. مولفه‌های اندیشه فردی دارای ۳ شاخص، رعایت حقوق دارای ۳ شاخص و نیکوکاری دارای ۳ شاخص و حکمت الهی دارای ۳ شاخص دسته‌بندی شدند.

شاخص‌ها و مولفه‌های روانشناختی در عدالت‌جنسیتی در تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز کدامند؟

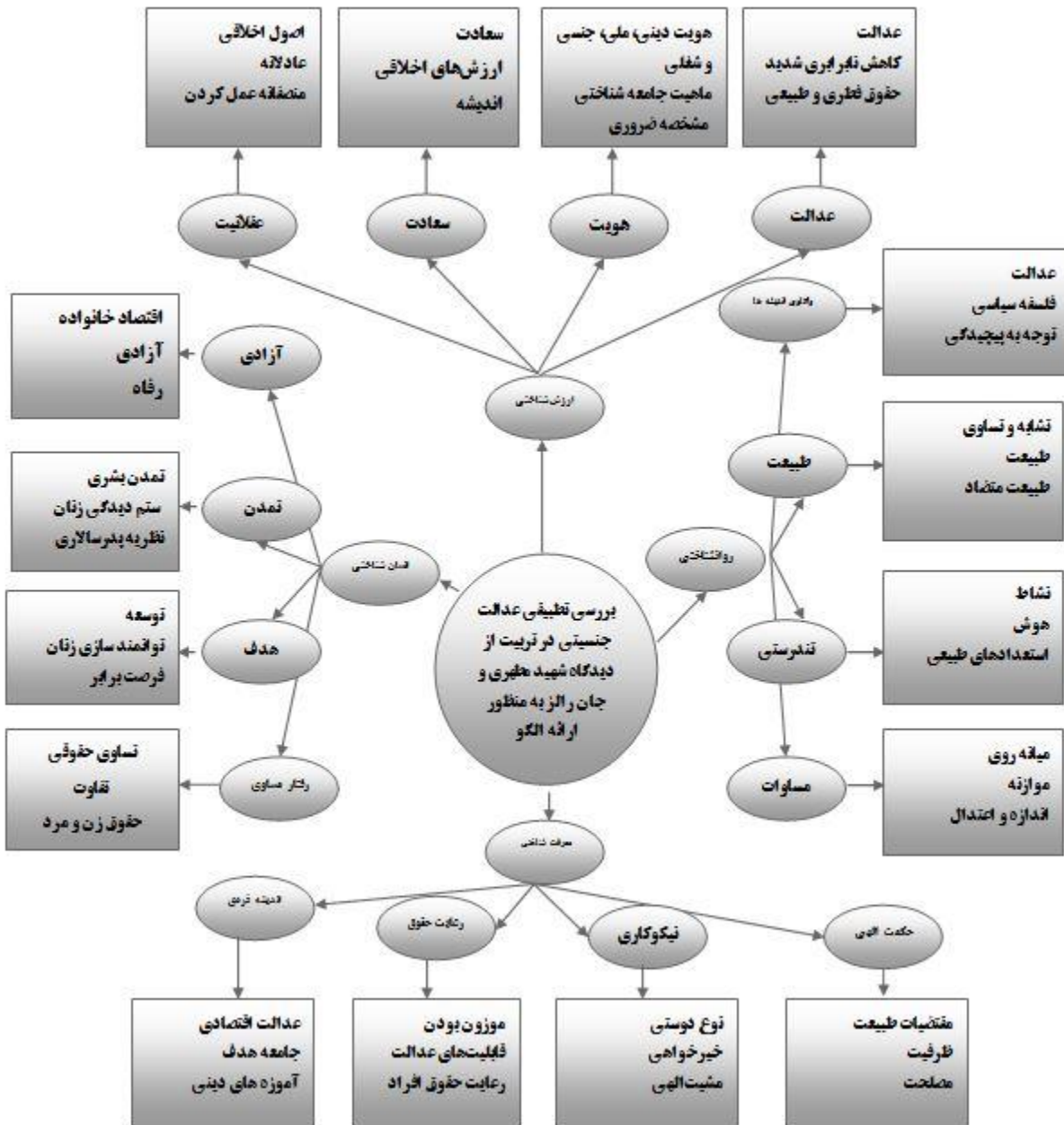
با توجه به جداول فوق و بر اساس یافته‌های بخش پژوهش که در همین فصل به تفصیل بحث شد و پس از بررسی شاخص‌ها و مولفه‌های روانشناختی در عدالت‌جنسیتی در تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز، ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های تطبیقی در شاخص‌ها و مولفه‌های روانشناختی در قالب ۴ مولفه و ۱۲ شاخص به شرح جدول ۳ شناسایی شد. مولفه‌های واکاوی اندیشه‌ها دارای ۳ شاخص، طبیعت‌دارای ۳ شاخص و تندرستی دارای ۳ شاخص و مساوات‌دارای ۳ شاخص دسته‌بندی شدند.

چگونه می‌توان با بررسی تطبیقی عدالت‌جنسیتی در تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز به یک الگو دست یافت؟

پس از بررسی و مطالعات مبانی نظری و پیشینه تحقیقاتی موضوع الگوی مفهومی مولفه‌های تطبیقی اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو و مستندات و مقالات و پیشینه پژوهشگران در نهایت ۴ بعد، ۱۶ مولفه و ۴۸ شاخص شناسایی شد. این الگو در قالب اشکال ۱ و ۲ ترسیم شده‌اند که با هم الگوی نهایی مولفه‌های تطبیقی اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز را شکل داده‌اند.



شکل ۱. الگوی محقق ساخته مولفه‌های تطبیقی اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو



شکل ۲. الگوی نهایی مولفه‌های تطبیقی اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو

نتیجه‌گیری

در این پژوهش بدنبال بررسی اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو بودیم و در راستای دستیابی به این الگو، مولفه‌ها و شاخص‌های بررسی اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو شناسایی شد. در این مرحله از پژوهش، مفاهیم و نکات کلیدی بدست آمده در خصوص الگوی مولفه‌های تطبیقی اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو، از فرایند مطالعه اسناد و مدارک شامل مبانی نظری و پیشینه پژوهش یادداشت برداری و بر اساس مبانی علمی و نظری از نظر مفهومی یکسان سازی شدند. با عنایت به مباحث ذکر شده در صورت‌بندی مفهوم عدالت تربیتی از منظر شهید مطهری می‌توان به فرصت‌های آموزشی برابر، رعایت حقوق و استحقاق افراد با توجه به تلاش و استعدادها، متریبان، جبران کمبودهای متریبان نیازمند توجه خاص، تلازم استعداد و وظایف متریبان اشاره نمود. مهم‌ترین مبانی عدالت تربیتی عبارت است: ۱. برخورداری انسان از تعلیم و تربیت یکی از جلوه‌های توازن در هستی به منزله اصل حاکم بر جهان آفرینش است؛ ۲. برخورداری انسان از تعلیم و تربیت، مصداق برخورداری از فیض عام خداوند است؛ ۳. برخورداری انسان از تعلیم و تربیت زمینه‌ساز تحقق عدالت فردی است؛ ۴. برخورداری انسان از تعلیم و تربیت از منظر مطهری از تحقق عدالت اجتماعی است؛ ۵. تعلیم و تربیت مهم‌ترین عامل زمینه‌ساز رشد فطریات انسانی است؛ ۶. تعلیم و تربیت مهم‌ترین عامل زمینه‌ساز رشد کرامت انسانی است؛ ۷. تعلیم و تربیت ابزار اصلی رشد تعقل و اراده به عنوان ویژگی‌های ایجادکننده کرامت انسانی است؛ ۸. تعلیم و تربیت ابزار رشد ارزش‌های اخلاقی است؛ ۹. تعلیم و تربیت، زمینه‌ساز سعادت انسانی است، همچنین اصل آموزش همگانی، اصل فردیت در آموزش، اصل پرورش فطریات، اصل پرورش کرامت و اصل سعادت از مهم‌ترین اصول برآمده از آرای شهید مطهری است. همچنین یافته نشان داد از نظر مطهری، عدالت در وجه بارز آن، رعایت استحقاق هاست و مفهوم آن این است که استحقاق‌های طبیعی و واقعی در نظر گرفته شود و به هر کس مطابق آنچه برحسب کار و استعداد لیاقت دارد، داده شود. مطهری تلاش را محور استحقاق می‌داند که موجب اختصاص از بهره‌مندی در تعلیم و تربیت است، یعنی افراد به واسطه تلاش خود، مستحق برخورداری از امکانات و مواهب می‌شوند؛ یا به عبارتی می‌توان گفت تلاش متریبان نیازمند زمینه و بستر مناسب است و بدون فراهم شدن آن، تلاش افراد به وقوع نمی‌پیوندد. براین اساس، رعایت استحقاق‌های ذاتی و ناشی از خلقت، کلی‌ترین و اصلی‌ترین ملاک عدالت در بسیاری از ابعاد است؛ بدین ترتیب باید برنامه‌های درسی و آموزشی مناسب در جهت شناسایی، رشد و شکوفایی استعدادها، مختلف همه دانش‌آموزان باشد تا متریبان به میزان استعدادها و توانایی‌ها و تلاش‌های خود در مسیر درست، گام بردارند. عدالت آرمانی است که مورد ستایش همه اقشار در همه زمان‌ها بوده و تا کنون مباحث بی شماری پیرامون

آن مطرح بوده است. هر مکتب، عدالت را از دیدگاه خود طرح کرده و تبیین می‌نماید. ولی آنچه به معنای واقع ملاک تشخیص عدالت است، دقت در تطبیق نظام تکوین با تشریح است تا هر شیئی یا هر انسان در جای خود واقع شود و توان انجام کار را مطابق ساختار وجودی خویش داشته باشد و مورد ظلم واقع نشود. این تعریف از عدالت فارغ از منافع گروه و مکتب خاص است. از آنجا که هر یک از زن و مرد در هستی در جایگاهی واقع شده اند و مسئولیتی ویژه خود دارند، ناچار در عمل بخصوص عمل متقابل افراد خانواده شبیه یکدیگر نیستند و هر یک کاری را انجام می‌دهد که دیگری یا توان انجام آن را ندارد و یا اگر بخواهد در جای دیگری انجام وظیفه کند در انجام آن عمل موفق نیست و شئون او مورد خدشه واقع می‌شود و صدمه می‌بیند. بنابراین بطور مسلم بین دو رفتار زن و مرد تفاوت وجود دارد لی این تفاوت، تنها با اصل تفاوت موجود در آراء رالز فقط یک اشتراک لفظی است. مبنای نظریه رالز در مورد عدالت به عنوان دانشمندی لیبرال که توانسته موجی از افکار را با خود همراه کند و در مدینه آرمانی خود ضمن تعیین چگونگی به دست آوردن اصول عدالت، تلفیقی از دولت برابر خواه و آزادی خواه را به وجود آورد و آزادی‌های مورد نظر لیبرالیسم کلاسیک و برابر آرمان خواهانه مارکسیست‌ها را در یک جا جمع کند. یک فضای فرضی است که در آن افراد بدون اینکه بدانند از کدام جنس، مذهب و نژاد هستند و بدون اینکه منفعتی را برای خود بخواهند، آزادی‌های اساسی نوع بشر را در ضمن توافقی در فضای خیر خواهانه و همدلی تعیین می‌کنند. او در این فضا اصولی را برای همه شهروندان تعیین می‌کند و اصلی مثل اصل آزادی و اصل فرصت برابر را می‌پذیرد. نکته این است که او به عنوان لیبرال واقعیت‌گرا در این فضای فرضی برای امور واقعی و محسوس زندگی و آزادی‌های مرتبط تصمیم می‌گیرد که از جمله اینها روابط میان زن و مرد و به تعبیر دیگر جنسیت تصمیم می‌گیرد و حال اینکه مسئله جنسیت یک بر ساخت اجتماعی است و در فضای فرضی قابل تصور نیست. از آنجایی که بین زن و مرد تفاوت‌هایی مشهود و غیر قابل انکار است، او با پذیرش اصل تفاوت، برای وصول به اصل آزادی و فرصت برابر تلاش می‌کند. اصل تفاوت از یک طرف نباید به آزادی‌های مطلق افراد بشر لطمه‌ای وارد کند و از طرف دیگر باید برای رسیدن به فرصت برابر بین انسان‌ها و از جمله زنان و مردان، تفاوت‌ها را تا حد امکان برای وصول به برابری کاهش داد و در حقیقت پذیرش تفاوت در اینجا برای وصول به فرصت برابر است. براین مبنای رالز برای وصول به اندیشه‌های لیبرالی و برابری طلبی خود میان افراد بشر و آثار و لوازم آن را در حد ضرورت قبول کرده و یا ناچار از پایش آن شده است و اصل تفاوت تحت الشعاع آزادی خواهی لیبرالی و یا برابری خواهی ایشان قرار دارد نه اینکه واقع بینانه تفاوت در نظام تکوین را پذیرفته باشد و به واقع در تبیین عدالت جنسیتی و بیان تساوی حقوق، به طور طبیعی تفاوتی بین وظایف زن و مرد قائل باشد. با فرض اینکه پذیرش اصل تفاوت را از جانب رالز نکته مثبت نظرات او بدانیم

اما این اشکال بر او وارد است که برای احقاق حقوق زنان در مقابل مردان همه جانبه نگر نبوده است، زیرا او جبران تفاوت‌های زن و مرد را فقط با عینک مادی نگریسته و حال آنکه رعایت لطافت‌های روحی در ارتباطات اخلاقی از اهمیت بیشتری در این زمینه برخوردار است و در اسلام از آن به عنوان رفتار به معروف و رفتار به احسان یاد شده است و رالز از این مهم غفلت نموده است. در یک ارزیابی نهایی، عدالت رفتار یکسان با همه افراد نمی‌باشد، بلکه به هر کس باید حقش داده شود و چه بسا گاهی رفتار مشابه با زن و مرد عین ظلم است و بنابراین تساوی زن و مرد تنها با توجه به موقعیت هر یک در نظام آفرینش و تعدیل ارتباطات متقابل آن‌ها تعریف می‌شود و به عبارت دیگر تساوی در جایی است که احکامی بر علیه هر یک از زن و مرد است برابر با احکامی باشد که به نفع ایشان است یعنی باید در تعیین وظیفه اشخاص، توازن و همسانی وجود داشته باشد، و هر نوع تساوی را نمی‌توان عدل دانست، بلکه در صورتی که استحقاق افرادی با هم مساوی و برابر و با آن‌ها یکسان عمل شود می‌توان تعبیر برخورد عادلانه و رعایت عدل را در خصوص رفتار برابر بکار برد و بدون تردید در صورت تفاوت استحقاق افراد، رفتار و برخورداری متفاوت نیز عدل شمرده می‌شود. بر این اساس نمی‌توان برای همه انسان‌ها با شرایط، ویژگی‌ها و ظرفیت‌ها و نیازهای متفاوت، قانون و امتیازات یکسان در نظر گرفت و این موضوعی است که لازم است در مباحثی همچون عدالت و برابری جنسیتی مورد توجه قرار گیرد. نهایت اینکه به نظر می‌رسد براساس جهان بینی اسلامی بتوان به نحو بارزتری به دغدغه‌های موجود در زمینه عدالت به طور عام و عدالت جنسیتی به طور خاص پاسخ داد به گونه‌ای که ضمن تأمین و رعایت عدالت، وضعیت خاص و نیازهای ویژه گروه‌های اجتماعی همچون زنان را در نظر گرفت و در فضای واقعی و نه انتزاعی تأمین کرد. راهکاری که اسلام برای این وضعیت در نظر گرفته است توجه به «احسان» در کنار «عدل» است. براین اساس احساس و انصاف را می‌توان مکمل عدل دانست و برای اجرای آن قواعد و ضوابطی را تدوین کرد و ضمن فرهنگ سازی و آموزش و آگاه سازی زمینه‌های ایجاد محیط مساعد برای زنان را فراهم کرد.

با توجه به نتایج بدست آمده در پژوهش حاضر، بررسی مؤلفه‌های تطبیقی اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو پیشنهادی زیر ارائه می‌شود:

در اینجا با توجه به مؤلفه‌های اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز، راهبردها و راهکارهای زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱. بهسازی و اعتلای روشهای تدریس به عنوان محور مؤلفه‌های تطبیقی اندیشه‌های شهید

مطهری و جان رالز

۲. روزآمد ساختن مؤلفه‌های تطبیقی اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز در برنامه‌های درسی دانشگاه.
 ۳. افزایش انگیزه معلمان برای بررسی مؤلفه‌های تطبیقی اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز.
 ۴. ایجاد مؤلفه‌های اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز مورد نیاز با توجه به روزآمد ساختن محتوای تعلیم و تربیت و تدوین برنامه درسی
 ۵. توسعه مؤلفه‌های اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز و بهره‌گیری از روشهای یاددهی و یادگیری متنوع و مطلوب
 ۶. ایجاد مؤلفه‌های اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز برای بررسی موضوعی.
 ۷. تحول تغییر باورهای سنتی دبیران برای شناسایی نقاط قوت و ضعف و پرورش مؤلفه‌های اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز
- توانا کردن معلمان در مؤلفه‌های اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز.

منابع

- اخباری، محسن، شفیعی، نوذر. (۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی نقش جنسیت در سیاست از منظر فمینیسم و اسلام. فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، ۱۰(۲۴).
- اخوان کاظمی، مسعود، ویسی، سارا. (۱۳۹۹). جان رالز و عدالت بین‌المللی. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۷(۱).
- ایروانی، شهین، یاری قلی، بهبود، شمس مفرحه، سیدکاظم، شرفی جم، محمدرضا. (۱۴۰۲). تحلیل مفهوم، مبانی، اهداف و اصول عدالت تربیتی از منظر شهید مطهری. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۶(۴۱).
- آرمان مهر، محمدرضا، متوسلی، محمود. (۱۳۸۹). تحلیل فلسفی روششناسی جان رالز در استخراج معیار عدالت اقتصادی. فصلنامه علمی پژوهشی و روش شناسی علوم انسانی، ۱۶(۶۲).
- تلیس، رابرت. (۱۳۹۹). فلسفه رالز. ترجمه خشایار دیهیمی. تهران: طرح نو.
- توسلی، حسین. (۱۴۰۲). مبنای عدالت در نظریه رالز. مجله نقد و نظر، ۱۱.
- جلیلی مرند، علیرضا، متفکر آزاد، محمد علی، فلاحی، فیروز. (۱۴۰۲). عدالت اجتماعی از دیدگاه هایک، رالز، شهید مطهری، و شهید صدر با تاکید بر چیستی عدالت. دوفصلنامه علمی-پژوهشی، ۱۵(۲۹).
- حکمت نیا، محمود. (۱۳۹۹). حقوق زن و خانواده. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- رالز، جان. (۱۳۹۹). لیبرالیسم سیاسی. ترجمه موسی اکرمی. تهران: ثالث.

- رالز، جان. (۱۴۰۱). **عدالت به مثابه انصاف**. ترجمه عرفان ثابتی. تهران: ققنوس.
- رالز، جان. (۱۳۹۸). **قانون ملل**. ترجمه مرتضی بحرانی و احمد فرجیان. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- شجریان، مهدی. (۱۳۹۹). **بررسی رویکردهای رایج در مفهوم عدالت جنسیتی**. مطالعات اسلامی زنان و خانواده، ۷(۱۲).
- صدرالمآلهین شیرازی، ملاصدرا. (۱۳۹۶). **مثنوی ملاصدرا. به کوشش مصطفی فیضی**. قم: کتابخانه آیةالله مرعشی نجفی.
- طباطبایی، سید جواد. (۱۳۹۹). **زوال اندیشه سیاسی در ایران**. تهران: کویر.
- عباس زاده، سعیده. (۱۳۹۹). **بررسی تطبیقی پنج برنامه توسعه کشور پیرامون دست‌یابی به عدالت جنسیتی با تاکید بر وضعیت آموزش عالی زنان در ایران و مقایسه آن با وضعیت جهانی**. **پژوهش‌نامه زنان**، ۶(۱).
- کلانتری، عبدالحسین، فقیه ایمانی، فاطمه. (۱۳۹۸). **فرا تحلیل پژوهش‌های انجام شده درباره «تأبری جنسیتی» زن در فرهنگ و هنر**، ۵(۱).
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۹). **جنسیت و نفس در اسلام**. در: **جنسیت و نفس**. ویراست هادی صادقی. قم: مرکز نشر هاجر.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۲). **مقالات فلسفی**، جلد دوم. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۶). **حرکت و زمان در فلسفه اسلامی**. تهران: انتشارات حکمت.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۸). **اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب**. چاپ ۲۹. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۴). **عدالت اجتماعی**. **مجله تربیت**، ۶۳.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۱). **نظری به نظام اقتصادی اسلام**. چاپ اول. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۱). **عدل الهی**. (مجموعه آثار جلد ۱). تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۶). **درس‌های اسفار (مجموعه آثار جلد ۱۱)**. چاپ چهارم. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۷). **خدمات متقابل اسلام و ایران (مجموعه آثار جلد ۱۵)**. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۰). **اسلام و مقتضیات زمان**. جلد اول. چاپ شانزدهم. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۳). **بیست گفتار**. چاپ هفتم. تهران: انتشارات صدرا.
- نصری مشکینی، عبدالمجید. (۱۳۹۸). **مبنای عدالت در نظریه رالز**. تهران: طرح نو.
- واعظی، احمد. (۱۴۰۰). **جان رالز، از نظریه عدالت تا لیبرالیسم سیاسی**. قم: بوستان کتاب قم.